

بسم الرحمن الرحيم

معناداری زندگی از دیدگاه ملاصدرا

مؤلفان:

هاجر شارجیان

علی ارشد ریاحی

(دانشیار گروه فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه اصفهان)

سرشناسه	شارجیان، هاجر، ۱۳۶۶ -
عنوان و نام پدیدآور	معناداری زندگی از دیدگاه ملاصدرا/مولفان هاجر شارجیان، علی ارشد ریاحی.
مشخصات نشر	اصفهان: جهاد دانشگاهی، واحد اصفهان، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	۱۳۴ ص.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۳۱۸-۰۶۲-۸
وضعیت فهرست نویسی	فیبیا
موضوع	صدرالدین شیرازی، محمدبن ابراهیم، ۹۷۹ - ۱۰۵۰ق. - دیدگاه درباره زندگی
موضوع	صدرالدین شیرازی، محمدبن ابراهیم، ۹۷۹ - ۱۰۵۰ق. -- نقد و تفسیر
موضوع	زندگی -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام
شناسه افزوده	ارشد ریاحی، علی، ۱۳۳۶ -
شناسه افزوده	جهاد دانشگاهی. واحد اصفهان
رده بندی کنگره	۱۳۹۴ ش ۸۵ ز / ۱۱۲۳BBR
رده بندی دیویی	۱۸۹/۱
شماره کتابشناسی ملی	۴۰۳۶۹۲۷

منازری: زندگی از دیدگاه ملاصدرا

تألیف	هاجر شارجیان - علی ارشد ریاحی
انتشارات	انتشارات جهاد دانشگاهی واحد اصفهان
نوبت چاپ	اول
تاریخ نشر	۱۳۹۴
تیراژ	۳۰۰
تعداد صفحات	۱۳۴
لیتوگرافی / چاپ / صحافی	نگار
مدیر تولید	فرهاد رفیعیان
طرح جلد و صفحه‌آرایی	محمدعلی نورانی
قیمت	۷۰۰۰ تومان
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۳۱۸-۰۶۲-۸

مواکز پخش

- اصفهان:**
- انتشارات جهاد دانشگاهی واحد اصفهان ۳۱-۳۶۶۸۰۰۶۲
 - علم گستر سپاهان: ۳۱-۳۲۲۱۹۹۷۹
- تهران:**
- انتشارات جهاد دانشگاهی (دفتر مرکزی) تلفن: ۲۱-۶۶۴۸۷۶۲۶
 - کتاببیران: ۱۸-۶۶۵۶۶۵۰۹
 - دانشیران: ۲۰-۲۲۰-۶۶۴۰۰۲۱

پایگاه اینترنتی www.jahadbookshop.ir

این اثر مشمول قانون حمایت مولفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ است، هر کس تمام و یا قسمتی از این اثر را بدون اجازه مولف (ناشر) نشر یا پخش یا عرضه کند مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۷
مقدمه.....	۱۱
فصل ۱: معناداری زندگی در سایهٔ التفات به مباحث وجود شناسی	
۱-۱- معناداری زندگی در سایهٔ التفات به مسئله مراتب تشکیکی وجود.....	۱۵
۱-۱-۱- نقص.....	۱۶
۱-۱-۲- عشق.....	۱۸
۱-۱-۳- کمال.....	۲۱
۱-۲- معناداری زندگی در سایهٔ التفات به مسئله وجود ابط و مستقل.....	۲۳
۱-۳- نتیجه و خلاصه.....	۲۵
پی‌نوشت.....	۲۶
فصل ۲: معناداری زندگی در سایهٔ التفات به فطرت ثانویه	
۲-۱- نقش فطرت ثانویه در ولادت ثانویه.....	۲۹
۲-۱-۱- حکمت.....	۳۵
۲-۱-۲- ایمان.....	۳۶
۲-۲- نتیجه و خلاصه.....	۳۸
پی‌نوشت.....	۴۰
فصل ۳: معناداری زندگی در سایهٔ التفات به بقاء و جاودانگی انسان	
۳-۱- بقاء و جاودانگی وجود انسان در سایهٔ التفات به حرکت جوهری.....	۴۳
۳-۲- چگونگی حرکت جوهری تکاملی در بعد روحانی انسان.....	۴۳
۳-۳- چگونگی بقاء و جاودانگی انسان در سایهٔ التفات به پدیدهٔ مرگ.....	۴۷
۳-۴- بقاء و جاودانگی وجود انسان در سایهٔ التفات به قاعدهٔ «حدوث جسمانی و بقاء روحانی نفس انسانی»:	
۳-۵- نتیجه و خلاصه.....	۵۰
پی‌نوشت.....	۵۲

فصل ۴: معناداری زندگی در سایه التفات به غایت وجودی انسان

- ۴-۱- غایت وجودی انسان در نسبت با حق: ۵۷
- ۴-۲- غایت وجودی انسان در نسبت با خیریت وجودی او: ۵۸
- ۴-۲-۱- عبادت: ۵۹
- ۴-۲-۲- معرفت: ۶۰
- ۴-۳- غایت وجودی انسان در سایه التفات به قوس نزول و صعود: ۶۲
- ۴-۳-۱- قوس نزول در وجود: ۶۲
- ۴-۳-۲- قوس صعود در وجود: ۶۳
- ۴-۴- غایب وجودی انسان در سایه التفات به اسفار چهارگانه روحانی نفس: ۶۶
- ۴-۵- چگونگی ارتباط اسفار روحانی نفس و قوس صعود وجود انسان با معناداری زندگی: ۶۹
- ۴-۶- نتیجه و خلاصه: ۷۲
- پی‌نوشت: ۷۳

فصل ۵: ارتباط مسئله خیر و شر با معناداری زندگی

- ۵-۱- عوامل ایجاد شر و ارتباط ملاصدرا: ۷۷
- ۵-۲- نظر ملاصدرا درباره بود و نبود معبر برای خیر و شر: ۷۹
- ۵-۳- اقسام خیر و شر: ۸۰
- ۵-۴- نظریه خاص ملاصدرا در مورد خیر و شر: ۸۱
- ۵-۵- حرکت جوهری و خیر و شر: ۸۳
- ۵-۶- صدور خیرات و شرور از حضرت حق: ۸۵
- ۵-۷- عشق و مسئله خیر و شر: ۸۵
- ۵-۸- ارتباط مسئله خیر و شر با معناداری زندگی: ۸۶
- ۵-۹- نتیجه و خلاصه: ۸۹
- پی‌نوشت: ۹۱

فصل ۶: ارتباط مادی‌گرایی بشر با معناداری زندگی

- ۶-۱- ویژگی‌های عالم مادی: ۹۳
- ۶-۲- ارتباط تکامل روحانی انسان و مادی‌گرایی او: ۹۵
- ۶-۳- راه درمان مادی‌گرایی بشر: ۹۷
- ۶-۴- درمان مادی‌گرایی بشر از طریق دین‌داری: ۹۹
- ۶-۵- ارتباط معناداری زندگی با گرایش انسان به امکانات مادی: ۱۰۳
- ۶-۶- نتیجه و خلاصه: ۱۰۴
- پی‌نوشت: ۱۰۶

فصل ۷: نتیجه و خلاصه

- منابع و مأخذ: ۱۳۰

پیشگفتار

از رویی که بشر به عرصه هستی پا گذاشته است، رمزگشایی از هستی و به طور خاص هستی خویش را در سر داشته است که حاکی از نیاز جدی او به یافتن معنای زندگی است. حوادث دوران اخیر همچون افسردگی‌ها و خودکشی‌ها نشان از بی‌حاصلی تلاش بشر در تحصیل معنا برای زندگی خویش است. از سال ۱۹۷۰ به بعد دلایلی نظیر ناتوانی علم در پاسخ به سؤالات اساسی انسان، پدید آمدن محدودیت‌های فیزیکی و عملی علم و نمود آثار فردی-اجتماعی دین، زمینه را برای احیای معنویت‌ها و بازگشت دوباره به خدا و دین فراهم نموده است. نظریه‌های معناداری طبیعت‌گرا در فضای ملحدانه غرب تلاشی در جهت یافتن پاسخی شایسته برای سؤال‌های هستی‌شناسانه درباره زندگی به شمار می‌آید. (گلشنی، ۱۳۷۹: ص ۴۲-۲۰) لذا در مطالب کتاب پیش رو بر آنیم تا نظریه‌های معناداری بر اساس اندیشه اسلامی را به طور خاص دیدگاه صدر المتألهین شیرازی را مورد دقت نظر قرار دهیم.

یکی از نظریات درباره‌ی معناداری زندگی توجیه معناداری زندگی بر اساس طبیعت‌گرایی و خروجی آن مادی‌گرایی است. دیدگاه فوق زندگی را بدون خدا معنادار می‌داند. بر اساس این دیدگاه جنبه‌های مادی هر چند کوچک و ناچیز می‌تواند به زندگی معنا ببخشد. این در حالی است که از دیدگاه ملا صدرا ملاک ارزیابی ارزش هر چیزی به وجود و حقیقت هستی است که اساس فلسفه او را نیز تشکیل می‌دهد. او بر زدودن ماهیت از دامن حقیقت هستی برای رسیدن به آنچه از حاق وجود برمی‌خیزد، تأکید دارد. او می‌گوید: «خداوند اصل و حقیقت وجودها است و اصل وجودها را جز به او تحصیل و موجودیت حاصل نبوده، یعنی قیام و برپایی اشیاء به حق تعالی است.» (ملا صدرا، ۱۳۸۵: صص ۲۹ و ۳۰) با استنباط نظریات ملا صدرا در باب معناداری زندگی درمی‌یابیم که هر چند انسان در امکانات مادی زندگی پیشرفت کند و جلو رود، در حوزه‌ی معناداری زندگی

همچنان دست به گریبان مشکلات بسیاری است، زیرا انسان بسیاری از اموری را که حقیقتاً معنای زندگی نیستند، به عنوان معنای زندگی برمی شمرد و به دنبال تحقق آن‌ها می‌رود.

نظریه‌های معناداری طبیعت گرا با خروجی مادی گرایی به دو بخش شخص گرا و عین گرا تقسیم می‌شوند: نظریه‌های معناداری شخص گرا، احساسات و تمایلات شخصی و غایاتی را که برمی‌گزینند و سعی می‌کند به آن‌ها برسد، در برمی‌گیرد. (مشکات، ۱۳۸۸: صص ۱۶۴-۱۶۲) ملاصدرا غایت را به عنوان عاملی که زندگی را معنادار می‌سازد، در نظر گرفته است. ایشان می‌گوید: «و العلة الغائية ما هي مُمْتَلِكَةٌ عِنْدَ الْفَاعِلِ لَا الْوَاقِعَةُ عَيْنًا، فَكَذَلِكَ الْغَايَةُ فِي الْعَيْنِ هِيَ مَا يَرْجِعُ إِلَيْهَا» (ملاصدرا، ۱۳۸۲: ص ۹۰) بنا بر مطلب فوق و مبانی فلسفی ملاصدرا، یعنی تشکیک وجود و مراتب آن می‌توان این‌طور استنباط نمود که هر کس بسته به مرتبه‌ی وجودی خویش، غایتی را به عنوان معنا بخش به زندگی خویش برمی‌گزیند که با مرتبه‌ی وجودی او متناسب است. هر شخصی می‌تواند مقام، شهرت، ثروت و... را به عنوان غایت خویش برگزیند و به همان نیز قانع باشد. چنین شخصی - رسیده است که به اوج کمال و شکل ایده آل معناداری در زندگی نرسیده است، ولی مرتبه‌ای از معناداری را در زندگی خویش محقق ساخته است که او را راضی و قانع می‌سازد و تا پایان عمر، به خود سرگرم می‌دارد، هرچند مرتبه‌ی ضعیفی از معناداری در او محقق شده است. اساساً برای چنین شخصی «زال از اینکه» مرتبه ایده آل معناداری زندگی چیست، مطرح نمی‌شود. صدرالمتألهین به این مطلب در ضمن این عبارت اشاره می‌کند که «برای هر یک از اشیاء، رفتار و سلوک طبیعی و خاصی به سوی خیر برتر و مقصد بالاتر است، پس هر پایین‌تری را سلوک و رفتاری به سوی بالاتر و هر بالاتری را توجه به پایین‌تر است، همانند مبدأ برتر، در افاضه و بخشش خیرات و نیکویی‌ها به تمام موجودها» (همو، ۱۳۸۵: ص ۵۱)

دیدگاه عین گرا، در حوزه‌ی واقعیات زندگی است که به نوعی همه‌ی انسان‌ها در ضمیر خویش به آن واقف‌اند، از قبیل اعتقاد انسان به جاودانگی خویش و تبیین جایگاه خیرات و شرور در زندگی و تأثیری که این واقعیات می‌تواند بر زندگی مادی و معناداری بگذارد. (مشکات، ۱۳۸۸: ص ۱۶۵) نظر ملاصدرا در این مورد تا حدی با عین گراها متفاوت است. او اعتقاد به جاودانگی را برای اهل معارف و حقایق الهی به عنوان عاملی می‌داند که باعث می‌شود این دسته از انسان‌ها به امور مادی و لذائذ جسمانی و بهره‌های فانی دنیوی دل‌بستگی نداشته باشند و در نتیجه زندگی خویش را از پوچی و بی‌معنایی برهانند. در حالی که عین گراها توجه به امکانات مادی زندگی را در کنار اعتقاد به جاودانگی در نظر دارند. احساس پوچی در زندگی که ممکن است در

اثر شرور به وجود آید، نیز از منظر ملاصدرا به خدمت دائمی به بدن و دواعی شهوت نفس و هوا و آرزوهای آن و بی اعتقادی به معاد و نیز غفلت از یاد خدا و عبادت او برمی گردد. همه این شرور با اختیار و اراده‌ی آدمی ایجاد می‌شوند و در انسان‌شناسی خاص ملاصدرا راه‌حل‌هایی برای آن ذکر شده است.

درحالی‌که بسیاری از مکاتب فلسفی غربی اظهارنظرهایی در رابطه با معناداری زندگی مطرح کرده‌اند که انسان را در گسست از خانه خود یعنی وجود و همچنین جاودانگی و غایت مداری وجود انسان به‌طور خاص سوق می‌دهند و آنان با غفلت از اهداف مذکور به نظریه‌پردازی درباره‌ی معناداری زندگی پرداخته‌اند، فیلسوفی به نام ملاصدرا تحقیق درباره‌ی معناداری زندگی را با توجه به اهداف که انجام داده است. با استنباط از آثار این فیلسوف عالی قدر اسلام می‌توان گام مؤثری در این زمینه برداشت.

در این کتاب تلاش شده است تا دیدگاه صدرالمآلهین شیرازی درباره‌ی معناداری زندگی با توجه و التفات به مبانی فلسفی و فقهی او ارائه گردد و نتایج آن مورد تحلیل و تبیین قرار گیرد. مباحث این کتاب در یک مقدمه و هشت فصل تنظیم شده است:

فصل اول: دیدگاه ملاصدرا درباره‌ی معناداری زندگی در سایه‌ی التفات به مباحث وجودشناسی، نظیر تشکیک وجود، وجود رابطه با علل، آثار مبانی فلسفی ذکر شده، نظریات بدیع ملاصدرا درباره حکمت، ایمان، نقص، عشق و جمال در وجود انسان.

فصل دوم: دیدگاه ملاصدرا درباره‌ی معناداری زندگی با توجه به نظریات او در مورد فطرت و تقسیم فطرت انسان به اولیه و ثانویه.

فصل سوم: دیدگاه ملاصدرا درباره‌ی معناداری زندگی در سایه‌ی التفات به بقاء و جاودانگی انسان که شامل مباحثی می‌شود از قبیل، بقا و جاودانگی انسان در سایه‌ی التفات به حرکت جوهری (تکاملی) وجود انسان، بقا و جاودانگی انسان در سایه‌ی التفات به پدیده‌ی مرگ و بقا و جاودانگی انسان در سایه‌ی التفات به قاعده‌ی فلسفی ملاصدرا در مورد حدوث جسمانی و بقاء روحانی انسان.

فصل چهارم: دیدگاه ملاصدرا درباره‌ی معناداری زندگی در سایه‌ی التفات به غایت وجودی انسان که شامل مباحثی می‌شود از قبیل، غایت وجودی انسان در نسبت با ذات حق، غایت وجودی انسان در نسبت با خیریت وجودی انسان (و ذیل آن مبحث عبادت و معرفت)، غایت وجودی انسان در سایه‌ی التفات به قوس نزولی و صعودی وجود انسان، غایت وجودی انسان در سایه‌ی التفات به سفرهای چهارگانه‌ی روحانی.

فصل پنجم: دیدگاه ملاصدرا درباره‌ی خیر و شر و ارتباط آن با معناداری زندگی. فصل ششم: دیدگاه ملاصدرا درباره‌ی مادی‌گرایی بشر و ارتباط آن با معناداری زندگی. فصل هفتم: خلاصه و نتیجه.

www.ketab.ir

مقدمه

در کتاب پیش رو با یککرد معرفت‌شناسی به بحث از معناداری زندگی پرداخته می‌شود. معناداری زندگی از دو واژه اصلی معنا و زندگی تشکیل شده است. در این کتاب منظور از زندگی فرآیندی است که انسان می‌تواند به انجام فعالیت‌هایی از روی آگاهی و اختیار بپردازد و طول عمر خود را افزایش دهد. به زندگی خود معنا ببخشد. واژه‌ی معنا از ریشه (meinen) به دو معنی است: ۱. هدف‌داری ۲. ارزش‌داری اگر منظور از معنای زندگی، هدف یا مجموعه اهدافی باشد که هر انسانی در زندگی دنبال می‌کند، این اهداف باید دارای ارزش ذاتی و شایسته باشند، تا کل زندگی معنادار تلقی شود. به عبارت دیگر، برای یافتن معنای زندگی صرفاً نمی‌توان به سطوح ابتدایی زندگی و اهدافی نظیر برآورده شدن غرایز و نیازهای مادی اکتفا نمود، زیرا اهداف مادی ارزش ذاتی ندارند و پایدار و ماندگار نیستند و تنها درجه‌ای ضعیف از معنا را برای زندگی انسان تأمین می‌کنند که به زندگی روزمره‌ی انسان معطوف است. از منظر بودن تنها در صورتی اهداف مادی می‌توانند معنای اصلی را به زندگی ببخشند که هماهنگ با خداوند باشند. (رک به علیزمانی، ۱۳۸۶: صص ۸۹-۵۹)

به‌طور کلی می‌توان گفت که مجموعه اهداف (مادی، معنوی و وجودی) و تلاش برای تحقق آن‌ها می‌تواند به زندگی انسان معنا دهد، ولی بر مبنای دیدگاه الهیون و فیلسوفان اسلامی نظیر ملاصدرا معنای اصیل زندگی که دارای ارزش ذاتی و شایسته باشد، عبارت است از مجموعه اهداف معنوی و وجودی که انسان به خاطر آن آفریده شده و به زندگی قدم گذاشته است. تحقق این اهداف علاوه بر ارتقاء مراتب وجودی انسان، احساس رضایت و آرامش ذاتی، خوش‌بینی در زندگی و توجیه عقلانی صحیح برای تحمل دردها و رنج‌های زندگی دنیوی را به همراه خواهد

داست. (همان کتاب) از طرف دیگر فقدان هدف و غایت متعالی برای هستی وزندگی، پوچی و افسردگی را به همراه خواهد داشت. (ر.ک به زرشناس، ۱۳۸۵: ص ۷۸)

به طور کلی هر یک از ادیان جهان تحقق بخشی از اهداف (مادی، معنوی و وجودی) را رمز داشتن آرامش در زندگی قلمداد می کنند. از طرف دیگر با نگاه جزئی به برخی ادیان جهان می بینیم که حتی با سرکوب کردن امیال و خواسته های جسمانی و انواع ریاضت های سخت، پیروان خود را به تحقق هر یک از این اهداف و نیل به رستگاری و سعادت سفارش می کنند. در این بین دین اسلام با داشتن بایه های معرفتی عمیق نه تنها سرکوب خواسته های جسمانی و مادی را به پیروان خود پیشنهاد نمی کند، بلکه تحقق اهداف مادی به شکل معقول و متعارف را زمینه تحقق اهداف معنوی و وجودی انسان نظیر نائل شدن به خداوند با او صافی غیر انسانی (نظیر عشق، جاودانگی، مهربانی و عدالت) را تقسیم نعمت ها) معرفی می کند.

در بین فیلسوفان اسلامی ملا صدرا با اهتمام به آیات قرآنی و روایات و همچنین با استمداد از مبانی ای که برای فلسفه ی سریش به گذاری کرده است، چارچوبی برای معناداری زندگی ارائه می دهد. ممکن است در نگاه اول دیدگاه ملا صدرا درباره ی معناداری زندگی از یک طرف با مفاهیمی نظیر سلوک انسان، استکمال انسان، سعادت و رستگاری و از طرف دیگر با نظریات فلسفی سایر فیلسوفان اسلامی، نظیر ابن سینا و شیخ اشراق یکسان باشد، اما با تأمل عمیق تر و استنباط از مباحث فلسفی او نکات افتراق آن ها مشخص می شود. در چارچوبی که او برای معناداری زندگی ارائه می دهد، معنای زندگی از مراتب پایین تا مراتب ایدئال، برای انسان ها قابل تحقق است. او نقطه ی ایده آل معنای زندگی را تقرب به خداوند و در جوار او قرار گرفتن می داند که هدفی وجودی است و در ساختار فطری هر انسانی قرار دارد. به عبارت دیگر این انسان است که باید تلاش کند با خداوند ارتباط برقرار و خود را به او نزدیک کند، تا زندگی اش معنای پیدا کند. علاوه بر این، با توجه به اینکه معنای اساسی زندگی در سایه ی تقرب به خداوند حاصل می شود، سایر اهداف (مادی، معنوی و وجودی) در ارتباط با آن رتبه بندی می شود. صدرا در رساله ی سه اصل و کسر اصنام الجاهلیه پرداختن به زندگی مادی را در حد اعتدال، به گونه ای که سایه ای از اهداف معنوی در آن به چشم بخورد، می پسندد. او در این آثار به نکوهش دانشمندانی می پردازد که با افراط و تفریط در زندگی، الگویی برای پیروان خویش به شمار می آیند.

بررسی ساختار فطری و وجودی خاص انسان، غایت های متعالی غیر مادی که برای هستی او در نظر گرفته شده است، بهره مندی از خیرات و مواهب الهی و بررسی ارتباط هر یک از آن ها با

معناداری زندگی محتوای تعدادی از فصول این کتاب را تشکیل می‌دهد که معنای زندگی را با توجه به معنای اول آن یعنی هدف‌داری در نظر دارد.

اگر منظور از معنای زندگی، ارزش و اعتبار (معنای دوم) کل زندگی باشد، زندگی زمانی معنادار می‌شود که هستی انسان را جاودانه بدانیم، توجیه عقلانی صحیح از دردها و رنج‌های زندگی دنیوی داشته باشیم و در گزینش اهداف، اهداف معنوی را بر اهداف مادی ترجیح دهیم.

تمام این عوامل در واقعیت زندگی به شکلی نمود پیدا کرده و بر معناداری آن (خواه به معنای هدفمندی و خواه به معنای ارزشمندی) مؤثر است. این عوامل اموری واقعی و عینی هستند که نمی‌توان تمام آن‌ها را مستقل از درون انسان دانست و مرزی بین هریک از آن‌ها و درون انسان قائل شد. همه انسان‌ها می‌توانند ریشه این عوامل را در خود بیابند و به دنبال تحقق و تأثیرگذاری آن بر زندگی عینی و مادی باشند. بنابراین باید این عوامل را در زندگی کشف کرد و از تأثیر آن‌ها در زندگی بهره‌مند شد. اساس جرقه فکری درباره‌ی معناداری زندگی و عواملی که می‌توانند زندگی را معنادار کنند، برای همه‌ی انسان‌ها یکسان است، ولی نحوه تفکر و نوع گرایش انسان‌ها به هر یک از این عوامل از شرایط مکانی، زمانی، دینی و فرهنگی تأثیر می‌پذیرد که حاکی از وجود اختلاف نظرهایی درباره‌ی عوامل معنادار کننده‌ی زندگی است. (ر.ک به لگنهاوسن، ۱۳۸۲: صص ۱۱ و ۲۵)

بیشتر پژوهش‌های فلسفی درباره‌ی معنای زندگی در غرب انجام شده است. عده‌ای از محققان با طرح موضوع سبک زندگی (Life style) در کتاب معنای زندگی سعی کرده‌اند. این گروه اساساً بهبود در اسباب و امکانات مادی زندگی را موجب ارتقاء سبک زندگی و ارتقاء سبک زندگی را موجب ارتقاء سطح سلامت روانی می‌دانند که در نهایت با ایجاد آرامش، زندگی انسان را معنادار می‌سازد. (متر، ۱۳۸۲، صص ۳۱۳-۲۶۶) عده‌ای دیگر معتقدند به حفظ تعادل و موازنه روح می‌توان به‌غایت مطلق زندگی دست یافت. (همان کتاب)

برای گروهی از فیلسوفان نیز دغدغه‌ی دستیابی به معنای زندگی برخاسته از اعماق وجود انسان است. از نظر این گروه (که رویکردی اگزیستانسیالیستی دارند) اساسی‌ترین سؤالاتی که در این حوزه مطرح می‌شود، عبارت است از اینکه: «انسان چگونه موجودی است؟ از کجا آمده است؟ به کجا می‌رود؟ برای چه پا به عرصه هستی گذاشته است؟» (ر.ک به بزرگمهر، ۱۳۵۷: ص ۱۶۳؛ کاپلستون، ۱۳۶۱: ص ۱۷۰)

سورن کی پرکگور از جمله فیلسوفان اگزیستانسیالیسم است که بر آزادی و خود آفرینی آزاد شخص تأکید می‌کند. (ر.ک به کاپلستون، ۱۳۶۱: ص ۱۶۰) وی مراحمی را برای این خود آفرینی قائل است که از آن به مراحل حیات باطنی تعبیر می‌کند. از نظر او انسان ابتدا لذت جو و تابع احساسات است و اگر اراده کند، می‌تواند از این مرحله گذر کند و به مرحله بعدی گام نهد. مرحله دوم پابندی به یک سری بایدها و نبایدهای اخلاقی است. از نظر او فرد از این مرحله نیز با کمک ایمان و اراده می‌تواند فراتر رود و به مرحله یافتن خدا و خدایی شدن برسد. بعد از این مرحله است که انسان می‌تواند به وسیله علم حضوری به فهم درستی از حقیقت برسد و زندگی خویش را دارای ارزش معنایی کند. (همو، ۱۳۸۶، ج ۷: صص ۳۳۷-۳۳۲)

کارل یاسپرس، که دیگر از فیلسوفان اگزیستانسیالیستی است که برای انسان وجود خاصی قائل است. او برای وجه خاص انسانی مراتبی قائل است: ۱. وجود شخص من ۲. شخص من با مفاهیم تجربی ۳. شخص من با ناهیم ذهنی ۴. اگزیستانس. از دید او در مرتبه‌ی چهارم انسان با عقل و اختیار به وجود متعالی یا به تعبیر یاسپرس، ترانساندانس نزدیک می‌شود و به اوج معنای هستی خویش راه می‌یابد. (همان کتاب، صص ۴۱۸-۴۱۶)

از نظر سارتر (دیگر فیلسوف اگزیستانسیالیسم) انسان یک هیولای تبیین‌ناشده‌ای است که باید او را شناخت و مرز امکانات واقعی اختیار او را مشخص نمود، تا به ارزش وجودی خود پی ببرد و خود را سرگرم امکانات ناچیز نکند. (همو، ۱۳۶۱: صص ۱۵۱-۱۵۰)

با توجه به رویکردهای مختلف به موضوع معنادر زندگی در فلسفه‌ی غرب و با توجه به تشنگی بشر برای یافتن معنایی برای زندگی حتی در محیط سکولار، ملحدانه غرب، پژوهش درباره معنادر زندگی بر اساس نظام‌های فکری دیگر به‌ویژه نظام فکری اسلامی که اسلام پایه‌گذاری کرده است و هم‌چنین فلسفه اسلامی و به‌طور خاص تفکر فلسفی ملاصدرا اهمیت می‌یابد.